

مقاله پژوهشی فضاهای مشاع و کیفیت زندگی: بررسی تأثیرات اجتماعی در محیط‌های اشتراکی

محمدامین طاهری^۱، الهه نوری سقرلو^{۲*}

۱- واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

art.mtaheri@gmail.com

۲- واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Elahenoori513@gmail.com

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۲/۹/۳]

تاریخ دریافت: [۱۴۰۳/۲/۲۵]

چکیده:

این مقاله به بررسی تأثیر روابط اجتماعی ساکنان بر کیفیت زندگی در محیط‌های مسکونی اشتراکی می‌پردازد. به‌عنوان مکانی برای آرامش و امنیت، نیازمند فراهم کردن نیازهای زیستی و اجتماعی افراد است. در این راستا، روابط اجتماعی در محله‌ها نقشی کلیدی در ارتقاء رضایت از زندگی ایفا می‌کند. فضاهای مشاع مانند حیاط‌ها و فضاهای سبز می‌توانند به تقویت این روابط کمک کنند و طراحی مناسب این فضاها، به‌ویژه در مجتمع‌های مسکونی بزرگ، می‌تواند به کاهش احساس انزوا و افزایش تعاملات اجتماعی منجر شود. مطالعات نشان داده‌اند که فضاهای مشاع، در صورت طراحی و مدیریت صحیح، می‌توانند موجب تشویق ساکنان به برقراری تعاملات بیشتر شوند. این فضاها نه تنها برای فعالیت‌های فراغتی مفید هستند بلکه فرصت‌هایی برای برقراری روابط اجتماعی فراهم می‌آورند. همچنین، حفظ حریم خصوصی در کنار فراهم کردن فضاهای مناسب برای تعاملات اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یافته‌های پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تعاملات اجتماعی تأثیر مثبتی بر کیفیت زندگی دارند. طراحی فضاهای عمومی باید به‌گونه‌ای باشد که احساس امنیت و راحتی را برای ساکنان فراهم کند تا آن‌ها بتوانند به راحتی با یکدیگر تعامل کنند. محیط‌های مسکونی اشتراکی که تسهیلات اجتماعی، فضای سبز و امکانات تفریحی مناسبی را ارائه می‌دهند، به‌طور مستقیم بر کیفیت زندگی ساکنان تأثیر می‌گذارند. درنهایت، این مقاله پیشنهادهایی برای مدیران مجتمع‌های مسکونی ارائه می‌دهد تا با برگزاری برنامه‌های اجتماعی منظم و طراحی فضاهای عمومی مناسب، تعاملات اجتماعی را تقویت کرده و کیفیت زندگی ساکنان را ارتقاء دهند. به‌طور کلی، مقاله بر اهمیت طراحی محیط‌های مسکونی که پاسخگوی نیازهای اجتماعی ساکنان باشد، تأکید کرده و راهکارهایی برای بهبود کیفیت زندگی در این محیط‌ها ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: تعاملات اجتماعی، کیفیت زندگی، محیط‌های مسکونی اشتراکی، طراحی فضاهای عمومی، حس تعلق.

۱- مقدمه

زندگی انسان به‌طور طبیعی در بستر روابط اجتماعی و تعاملات با دیگران شکل می‌گیرد. خانه، به‌عنوان مکانی که افراد بخش عمده‌ای از زندگی خود را در آن سپری می‌کنند، تنها باید نیازهای فیزیکی ساکنان را تأمین کند، بلکه باید فضایی مناسب برای ایجاد و تقویت روابط اجتماعی نیز فراهم آورد (رحمتی، عسگری، کمونه و شایانفر، ۱۳۹۹). در این راستا، مفهوم کیفیت زندگی به‌عنوان یک معیار کلیدی برای ارزیابی محیط‌های مسکونی مطرح می‌شود. کیفیت زندگی به مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و محیطی اشاره دارد که بر رضایت فرد از زندگی تأثیر می‌گذارد (محمدی، البرزی و سهیلی، ۱۴۰۰).

با افزایش جمعیت و گسترش شهرنشینی در سال‌های اخیر، طراحی فضاهای مسکونی، به‌ویژه در مجتمع‌های آپارتمانی و برج‌ها، اهمیت بیشتری یافته است. این نوع محیط‌ها به دلیل تراکم بالای جمعیت ممکن است موجب کاهش تعاملات اجتماعی و ایجاد حس انزوا در ساکنان شوند (قطب‌الدین، مستغنی و عسگری، ۱۴۰۲)؛ بنابراین، طراحی فضاهای عمومی و مشاع در این مجتمع‌ها به‌عنوان ابزاری برای تقویت روابط اجتماعی و ارتقاء کیفیت زندگی ساکنان ضروری است (حبیب، صفدریان و اعتصام، ۱۴۰۰).

تحقیقات نشان داده‌اند که فضاهای مشاع مانند حیاط‌ها، پارک‌ها و لابی‌ها می‌توانند نقش مهمی در ایجاد حس اجتماع و تقویت روابط اجتماعی ایفا کنند (محمدنژاد سیگارودی، پرویزی و دانش‌شکیب، ۱۳۹۹). این فضاها فرصتی را برای ساکنان فراهم می‌کنند تا با یکدیگر تعامل داشته باشند و احساس تعلق بیشتری به جامعه خود پیدا کنند. بر اساس نظریه‌های مختلف، طراحی مناسب فضاهای عمومی می‌تواند به افزایش رضایت از زندگی و بهبود کیفیت زیستی ساکنان کمک کند (لشگری و سهیلی، ۱۴۰۲).

با توجه به این زمینه‌ها، پژوهش حاضر به بررسی ارتباط بین تعاملات اجتماعی ساکنان و کیفیت زندگی آن‌ها در محیط‌های مسکونی اشتراکی می‌پردازد. هدف اصلی این تحقیق شناسایی نقش محیط‌های مسکونی اشتراکی به‌عنوان یک عامل تعدیل‌گر در این رابطه است (برهانی‌فر، مظهری، تقوایی، وثیق و اشرف‌زاده، ۱۴۰۰). بدین منظور، با استفاده از روش‌های کمی و کیفی، داده‌های مربوط به تعاملات اجتماعی و کیفیت زندگی ساکنان جمع‌آوری و تحلیل خواهد شد.

این پژوهش با توجه به پیشینه مطالعاتی موجود، تلاش دارد تا جنبه‌های نوآورانه‌ای را در زمینه طراحی فضاهای عمومی و مشاع معرفی کند که بتواند به تقویت روابط اجتماعی و ارتقاء کیفیت زندگی ساکنان کمک کند (افضلی، مظفری قادیکنائی و شباک، ۱۴۰۲). همچنین، نتایج این تحقیق می‌تواند راهکارهایی عملی برای مدیران مجتمع‌های مسکونی ارائه دهد تا با ایجاد فضاهای مناسب برای تعاملات اجتماعی، حس تعلق و همبستگی را در میان ساکنان تقویت کنند (مطلبی، ضرغامی و سعادت‌ی وقار، ۱۳۹۷).

درنهایت، این مقاله بر اهمیت توجه به نیازهای اجتماعی در طراحی محیط‌های مسکونی تأکید دارد و نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با ایجاد فضاهای مناسب، کیفیت زندگی ساکنان را ارتقاء داد. این موضوع نه‌تنها در زمینه معماری و شهرسازی بلکه در حوزه‌های روانشناسی اجتماعی نیز قابل بررسی است و می‌تواند منجر به توسعه پایدار شهری شود.

۲- مرور مبانی نظری و پیشینه

انسان بخش عمده‌ای از عمر خود را در خانه سپری می‌کند و خانه برای او جایگاه ویژه‌ای دارد. به گفته شولتز، خانه مکانی است که زندگی روزمره در آن جریان دارد و محلی برای تجربه آرامش و امنیت است (شولتز، ۱۳۹۰). نیازهای اساسی انسان به ارتباط با محیط زیستی و اجتماعی از مهم‌ترین عوامل در تعیین کیفیت سکونت محسوب می‌شود. محیط زندگی باید نه‌تنها نیازهای زیستی، بلکه ارزش‌ها

و تعاملات اجتماعی انسان را نیز تأمین کند. این ارتباطات اجتماعی یکی از اصلی‌ترین پایه‌های زندگی در محیط‌های مسکونی است که بر رضایت از زندگی و کیفیت زیستی اثر می‌گذارد.

در محله‌های مسکونی، برقراری روابط اجتماعی بین ساکنان و ایجاد حس همبستگی نقش مهمی در کیفیت زندگی ایفا می‌کند. در محیط‌های مسکونی بزرگ مانند مجتمع‌های آپارتمانی و برج‌ها، ایجاد فضاهایی برای تعاملات اجتماعی بین ساکنان به افزایش رضایت از زندگی کمک می‌کند. مطالعات نشان می‌دهد که فضاهای مشاع مانند فضاهای باز، لابی‌ها و راهروها می‌توانند در ایجاد حس اجتماع و تقویت روابط اجتماعی بین ساکنان نقش مؤثری ایفا کنند (لنگ، ۱۳۹۰).

معماری و برنامه‌ریزی شهری در ایجاد فضاهایی که تعاملات اجتماعی را تقویت می‌کنند، نقش بسیار مهمی دارند. طراحی فضاهای باز و عمومی در محیط‌های مسکونی می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی اجتماعی کمک کند. این فضاها، فرصت‌هایی برای ایجاد ارتباطات بین ساکنان و تقویت حس همبستگی را فراهم می‌کنند. به‌عنوان مثال، محوطه‌های مشترک مانند حیاط‌ها و فضاهای سبز، علاوه بر تأمین نیازهای زیست‌محیطی، زمینه‌ای برای تعاملات اجتماعی و فراغت ساکنان فراهم می‌کنند (سوزنچی، ۱۳۸۳).

مطالعات نشان داده‌اند که کیفیت و طراحی فضاهای مشاع در مجتمع‌های مسکونی نقش کلیدی در ایجاد یا عدم ایجاد روابط اجتماعی بین ساکنان دارد. فضای مشاع، اگر به‌درستی طراحی و مدیریت شود، می‌تواند موجب تشویق ساکنان به برقراری تعاملات بیشتر شود. به‌طور مثال، فضاهای جمعی در برج‌ها که به‌درستی طراحی شده‌اند، می‌توانند به تعامل بیشتر ساکنان منجر شوند. طراحی فضاهای جمعی با کیفیت و دلپذیر، می‌تواند مشوقی برای ساکنان جهت استفاده بیشتر از این فضاها و ایجاد ارتباطات اجتماعی باشد (حسینی و نوروزیان ملکی، ۱۳۸۷).

مفهوم سکونت فراتر از اقامت فیزیکی در یک مکان است و به ایجاد حس تعلق و مشارکت انسان در محیط مربوط می‌شود. شولتز بیان می‌کند که سکونت، نه‌تنها به معنای حضور در یک مکان است، بلکه به معنای ایجاد ارتباط عمیق با آن محیط و افراد اطراف آن است. در محیط‌های مسکونی اشتراکی مانند مجتمع‌های مسکونی و برج‌ها، ایجاد این حس تعلق اهمیت بالایی دارد، زیرا برقراری روابط اجتماعی بین ساکنان و تعاملات آن‌ها با محیط اطراف، به ایجاد این حس کمک می‌کند (شولتز، ۱۳۹۰).

خانه برای انسان مفهومی فراتر از سرپناه فیزیکی است و به‌عنوان مکانی برای تأمین امنیت، آرامش و هویت‌یابی اهمیت دارد. خانه باید فضایی فراهم کند که علاوه بر تأمین نیازهای فیزیکی، به نیازهای روانی و اجتماعی انسان نیز پاسخ دهد. زندگی در مجتمع‌های مسکونی با تعداد زیادی از ساکنان، اگر به‌درستی طراحی و مدیریت نشود، می‌تواند به کاهش روابط اجتماعی و ایجاد حس بیگانگی منجر شود (Huang, 2006). به همین دلیل، طراحی فضاهای مسکونی باید به نحوی باشد که ساکنان بتوانند روابط اجتماعی خود را حفظ کنند و حس تعلق و مشارکت به محیط زندگی خود داشته باشند.

فضاهای باز در مجتمع‌های مسکونی به‌عنوان بخشی از فضاهای مشاع می‌توانند نقش مهمی در ارتقای تعاملات اجتماعی ایفا کنند. این فضاها نه‌تنها برای فعالیت‌های فراغتی و تفریحی ساکنان مفید هستند، بلکه به ایجاد فرصت‌هایی برای برقراری روابط اجتماعی کمک می‌کنند. محوطه‌ها و فضاهای سبز در مجتمع‌های مسکونی می‌توانند به‌نوعی در امتداد فضای خصوصی افراد عمل کنند و به ایجاد ارتباطات اجتماعی کمک کنند. این فضاها باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که از نظر صمیمیت فضایی و نزدیکی به محیط زندگی خصوصی، ارزش بالایی داشته باشند (Burgess & Shallice, 1996).

یکی از چالش‌های زندگی در مجتمع‌های مسکونی با تراکم بالا، کاهش روابط اجتماعی بین ساکنان است. تحقیقات نشان داده‌اند که تراکم زیاد ساکنان در محیط‌های مسکونی می‌تواند به کاهش تعاملات اجتماعی و ایجاد حس انزوا منجر شود. زندگی در برج‌ها و

ساختمان‌های بلندمرتبه، اگرچه از نظر بهره‌وری از فضا مؤثر است، اما ممکن است به کاهش کیفیت روابط اجتماعی بین ساکنان منجر شود (Huang, 2006). این مسئله نشان‌دهنده اهمیت طراحی فضاهای مشاع و عمومی در این محیط‌ها برای ایجاد فرصت‌های بیشتر برای تعاملات اجتماعی است.

در فرهنگ ایرانی، حریم خصوصی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و این مسئله به‌وضوح در طراحی خانه‌های ایرانی دیده می‌شود. در معماری سنتی ایران، فضای درونی خانه اهمیت بیشتری دارد و طراحی فضاها به‌گونه‌ای است که حریم خصوصی خانواده حفظ شود. این ویژگی در مجتمع‌های مسکونی امروزی نیز باید مورد توجه قرار گیرد تا ساکنان بتوانند در عین حفظ حریم خصوصی، از تعاملات اجتماعی نیز بهره‌مند شوند (سجادزاده، اعتصامیان و خزایی، ۱۳۹۴).

در گذشته، محله‌ها در شهرهای ایران نقش بسیار مهمی در تأمین نیازهای اجتماعی و ایجاد تعاملات بین ساکنان داشتند. محله‌ها به‌عنوان فضاهای جمعی و عمومی، زمینه‌ای برای برقراری روابط اجتماعی و ایجاد حس همبستگی بین افراد فراهم می‌کردند. این ویژگی در طراحی محله‌های مسکونی امروزی نیز باید حفظ شود تا تعاملات اجتماعی بین ساکنان تقویت شود و حس اجتماع در این محیط‌ها به وجود آید (جعفری و بیکانی، ۱۳۹۳).

ارتقای کیفیت زندگی در محیط‌های مسکونی نیازمند توجه به طراحی فضاهایی است که تعاملات اجتماعی را تقویت کنند. فضاهای مشاع و عمومی در مجتمع‌های مسکونی باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که فرصت‌های بیشتری برای برقراری ارتباطات اجتماعی بین ساکنان فراهم آورند. همچنین، حفظ حریم خصوصی و ایجاد حس تعلق به محیط زندگی از عوامل کلیدی در بهبود کیفیت زندگی در این محیط‌هاست. توجه به این عوامل می‌تواند به افزایش رضایت از زندگی در محیط‌های مسکونی و بهبود کیفیت زیستی ساکنان کمک کند.

محیط‌های مسکونی، به‌ویژه مجتمع‌های مسکونی، نقشی اساسی در زندگی شهری ایفا می‌کنند و تنها به‌عنوان مکانی برای زندگی فیزیکی افراد مطرح نیستند، بلکه بستری برای تعاملات اجتماعی نیز به شمار می‌آیند. این تعاملات اجتماعی تأثیرات زیادی بر کیفیت زندگی ساکنان دارند. پژوهش‌های مختلف به بررسی نقش فضاهای عمومی و جمعی، طراحی کالبدی و مؤلفه‌های روان‌شناختی محیط در بهبود این تعاملات پرداخته‌اند.

مطالعه مطلبی و همکاران (۱۳۹۷) بر روی فضاهای باز و خوانایی مجتمع مسکونی سعیدیه همدان، اهمیت این فضاها در تقویت تعاملات اجتماعی را نشان داده است. بر اساس این پژوهش، مؤلفه‌هایی همچون تشخیص راه‌ها، نشانه‌ها و موانع بصری می‌توانند به تقویت تعاملات اجتماعی کمک کنند. طراحی سه‌بعدی فضاهای باز که برجستگی چشم‌اندازها و نشانه‌های محیطی را در نظر می‌گیرد، تأثیر بیشتری بر تعاملات اجتماعی دارد و احساس راحتی و اعتماد به نفس را در ساکنان افزایش می‌دهد.

پژوهش رحمتی و همکاران (۱۳۹۹) بر روی مجتمع مسکونی اکباتان تهران نیز نشان می‌دهد که محیط‌های خوانا باعث کاهش احساس سردرگمی و افزایش تعاملات اجتماعی به‌ویژه میان زنان می‌شوند. در این تحقیق مشخص شد که خوانایی محیط از طریق ایجاد فضاهای قابل فهم و امن، اعتماد ساکنان را افزایش داده و بهبود تعاملات اجتماعی را تسهیل می‌کند. ایجاد فضایی که از نظر ادراکی برای ساکنان خوانا باشد، به حس امنیت و روان‌شناختی مثبت ساکنان کمک می‌کند.

محمدنژاد سیگارودی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود در شهر لاهیجان نیز به بررسی تأثیر فضاهای عمومی بر تعاملات اجتماعی پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که طراحی مناسب فضاهای عمومی، با مؤلفه‌هایی مانند امنیت، خوانایی و تنوع، می‌تواند بهبود

روابط اجتماعی ساکنان را تسهیل کند. این فضاها باید به گونه‌ای طراحی شوند که احساس امنیت و راحتی را در میان ساکنان افزایش دهند تا آن‌ها بتوانند به راحتی با یکدیگر تعامل کنند.

در ادامه، پژوهش برهانی‌فر و همکاران (۱۴۰۰) در مجتمع مسکونی ششصد دستگاه مشهد نشان داد که توازن میان خلوت شخصی و فضاهای تعاملی می‌تواند به بهبود روابط اجتماعی کمک کند. حفظ حریم شخصی ساکنان به همراه فراهم کردن فرصت‌های تعاملی در محیط‌های مسکونی از جمله عواملی است که باعث می‌شود ساکنان احساس راحتی بیشتری در برقراری ارتباط با یکدیگر داشته باشند. در این تحقیق بر نقش طراحی فضاها برای حفظ تعادل میان نیازهای فردی و اجتماعی ساکنان تأکید شده است.

حبیب و همکاران (۱۴۰۰) نیز بر تأثیر طراحی فضاهای تعاملی بر کیفیت زندگی ساکنان تأکید کرده‌اند. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که کاهش فضاهای تعاملی در مجتمع‌های مسکونی منجر به کاهش تعاملات اجتماعی و در نهایت کاهش کیفیت زندگی می‌شود. طراحی مناسب فضاهای مسکونی که به نیازهای اجتماعی ساکنان پاسخ دهد، می‌تواند به ایجاد حس تعلق به مکان و بهبود کیفیت زندگی کمک کند.

محمدی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی در منطقه ۲۲ تهران به بررسی نقش مؤلفه‌های کالبدی و ادراکی-روانشناختی در تقویت تعاملات اجتماعی پرداختند. این پژوهش نشان داد که طراحی فضاهای عمومی باید به گونه‌ای باشد که علاوه بر جذابیت فیزیکی، از نظر ادراکی و روانشناختی نیز محیطی امن و دلپذیر برای ساکنان فراهم کند. مؤلفه‌های کالبدی و ادراکی-روانشناختی می‌توانند باعث بهبود تعاملات اجتماعی و ایجاد روابط مثبت میان ساکنان شوند. رضایتمندی و تندرستی یک مجموعه مسکونی درگرو احساس رضایتمندی مردم آن از یک زندگی استاندارد و راحت است. در این رابطه ژینیو کائو به بررسی اثر طراحی محل سکونت بر رضایتمندی ساکنین پرداخته است. در این پژوهش تمرکز بر حس رضایتمندی بدون توجه به عواملی مانند سرگرمی و زندگی اجتماعی بوده است (Cao, 2016).

پژوهش قطب‌الدین و همکاران (۱۴۰۲) به تأثیر انعطاف‌پذیری در طراحی فضاهای جمعی و عمومی پرداخته است. آن‌ها نشان دادند که انعطاف‌پذیری در طراحی این فضاها می‌تواند نیازهای متغیر ساکنان را پوشش دهد و تعاملات اجتماعی را تقویت کند. همچنین، فضاهایی که قابلیت تغییر و انطباق با نیازهای فرهنگی و اجتماعی افراد داشته باشند، به افزایش طول عمر مفید ساختمان‌ها و بهبود کارایی آن‌ها منجر می‌شوند. در این تحقیق به ویژه بر تأثیر فضاهای عمومی انعطاف‌پذیر بر افزایش حس اجتماع‌پذیری ساکنان تأکید شده است.

لشگری و سهیلی (۱۴۰۲) نیز در پژوهش خود در شهرک اکباتان تهران به بررسی تأثیر تعاملات اجتماعی بر امنیت محیطی پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که محیط‌هایی که تعاملات اجتماعی بیشتری در آن‌ها رخ می‌دهد، از امنیت بیشتری برخوردار هستند. افزایش روابط اجتماعی باعث افزایش حس امنیت در میان ساکنان شده و آن‌ها تمایل بیشتری به ارتباط با یکدیگر پیدا می‌کنند. این موضوع بیانگر آن است که تقویت روابط اجتماعی می‌تواند به ایجاد محیط‌های امن‌تر در مجتمع‌های مسکونی منجر شود.

در مجموع، پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهند که طراحی مناسب فضاهای عمومی، حفظ حریم شخصی و تقویت مؤلفه‌های کالبدی و روانشناختی، می‌تواند تأثیر مهمی در بهبود تعاملات اجتماعی و کیفیت زندگی ساکنان مجتمع‌های مسکونی داشته باشد. این عوامل اگر به درستی در طراحی محیط‌های مسکونی در نظر گرفته شوند، می‌توانند به افزایش حس تعلق به مکان و تقویت روابط اجتماعی بین ساکنان کمک کنند.

جدول (۱): پیشینه شناسی تفضیلی پژوهش

سال	نویسندگان	عنوان پژوهش	کلیدواژگان	هدف	رویکرد	نتیجه
۱۳۹۷	مطلبی، ضرغامی و سعادت‌ی وقار	نقش خوانایی فضای باز بر ایجاد تعاملات اجتماعی در مجموعه‌های مسکونی	فضاهای باز، خوانایی، تعاملات اجتماعی	بررسی تأثیر فضاهای باز بر تقویت تعاملات اجتماعی	مطالعه موردی	تأکید بر تأثیر مؤلفه‌های فضاهای باز و طراحی سه‌بعدی بر تعاملات اجتماعی و احساس راحتی ساکنان
۱۳۹۹	رحمتی، عسگری و کومنه، شایانفر	بازشناسی عوامل مؤثر بر خوانایی بانوان از فضای شهری	خوانایی، تعاملات اجتماعی، زنان	بررسی تأثیر خوانایی محیط بر تعاملات اجتماعی بانوان	مطالعه موردی	خوانایی محیط باعث کاهش سردرگمی و افزایش تعاملات اجتماعی به‌ویژه میان زنان شد
۱۳۹۹	محمدنژاد سیگارودی، پرویزی و دانش شکیب	ارزیابی تأثیر فضای عمومی بر ارتقای تعاملات اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی	فضاهای عمومی، تعاملات اجتماعی، امنیت	ارزیابی تأثیر طراحی فضاهای عمومی بر تعاملات اجتماعی	مطالعه موردی	طراحی مناسب فضاهای عمومی با مؤلفه‌هایی مانند امنیت و خوانایی باعث بهبود روابط اجتماعی ساکنان شد
۱۴۰۰	برهانی‌فر، مظهری، تقوایی، وثیق و اشرف‌زاده	بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر اجتماع‌پذیری مجتمع‌های مسکونی با رویکرد حفظ خلوت	فضاهای مسکونی، تعاملات اجتماعی، حفظ خلوت	بررسی تأثیر توازن میان خلوت شخصی و فضاهای تعاملی بر روابط اجتماعی	مطالعه موردی	توازن میان خلوت شخصی و فرصت‌های تعاملی در بهبود روابط اجتماعی و احساس راحتی ساکنان مؤثر است
۱۴۰۰	حبیب، صفدریان و اعتصام	تبیین رابطه میان میزان تعاملات اجتماعی و بالا رفتن کیفیت زیست در مجتمع‌های مسکونی	طراحی فضاهای تعاملی، کیفیت زندگی	بررسی تأثیر طراحی فضاهای تعاملی بر کیفیت زندگی ساکنان	مطالعه موردی	کاهش فضاهای تعاملی منجر به کاهش تعاملات اجتماعی و کیفیت زندگی، طراحی مناسب بهبود می‌بخشد
۱۴۰۰	محمدی، البرزی و سهیلی	نقش مؤلفه‌های کالبدی و ادراکی-روان‌شناختی فضاهای عمومی در ارتقای تعاملات اجتماعی	مؤلفه‌های کالبدی، ادراکی- روان‌شناختی	بررسی نقش مؤلفه‌های کالبدی و ادراکی-روان‌شناختی در تعاملات اجتماعی	مطالعه موردی	طراحی فضاهای عمومی باید از نظر ادراکی و روان‌شناختی نیز مطلوب باشد تا تعاملات اجتماعی بهبود یابد
۱۴۰۲	قطب‌الدین، مستغنی و عسگری	افزایش اجتماع‌پذیری با طراحی انعطاف‌پذیر فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی	طراحی انعطاف‌پذیر، فضاهای جمعی، اجتماع‌پذیری	بررسی تأثیر طراحی انعطاف‌پذیر فضاهای جمعی بر اجتماع‌پذیری ساکنان	مطالعه موردی	انعطاف‌پذیری در طراحی فضاهای عمومی باعث تقویت تعاملات اجتماعی و افزایش طول عمر مفید ساختمان‌ها می‌شود
۱۴۰۲	لشگری و سهیلی	نقش تعاملات اجتماعی بر ایجاد امنیت محیطی در مجتمع‌های مسکونی	تعاملات اجتماعی، امنیت محیطی	بررسی تأثیر تعاملات اجتماعی بر امنیت محیطی	مطالعه موردی	افزایش تعاملات اجتماعی منجر به افزایش حس امنیت و ایجاد محیط‌های امن‌تر در مجتمع‌های مسکونی می‌شود
۱۴۰۲	افضلی، مظفری قادیقلانی و شباک	سنجش تأثیر مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری در ارتقاء تعاملات اجتماعی و رضایتمندی سکونتگاه‌های شهری	اجتماع‌پذیری، رضایتمندی، سکونتگاه‌های شهری	سنجش تأثیر مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری بر تعاملات اجتماعی و رضایتمندی	مطالعه موردی	بررسی تأثیر مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری بر ارتقاء تعاملات اجتماعی و رضایتمندی سکونتگاه‌های شهری

در این پژوهش، تمرکز اصلی بر روی تحلیل نوآورانه رابطه میان تعاملات اجتماعی و کیفیت زندگی ساکنان مجتمع‌های مسکونی اشتراکی قرار دارد. این تحقیق با استفاده از رویکردی جامع و چندبعدی به بررسی تأثیرات متقابل این دو متغیر پرداخته و نقش محیط‌های مسکونی اشتراکی به‌عنوان عامل تعدیل‌کننده در این رابطه را نیز مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

یکی از جنبه‌های برجسته و نوآورانه این پژوهش، استفاده از روش‌های ترکیبی در جمع‌آوری و تحلیل داده‌هاست. برخلاف بسیاری از مطالعات پیشین که تنها به یکی از ابعاد تعاملات اجتماعی یا کیفیت زندگی پرداخته‌اند، این تحقیق به‌طور هم‌زمان به بررسی هر دو بعد پرداخته و به تحلیل روابط پیچیده میان آن‌ها می‌پردازد. به‌ویژه، طراحی دقیق پرسشنامه‌ها برای سنجش ابعاد مختلف تعاملات اجتماعی و کیفیت زندگی، امکان دستیابی به نتایج دقیق‌تر و معتبرتر را فراهم می‌آورد.

این پژوهش همچنین به بررسی تأثیر طراحی فضاهای عمومی و مشاع در مجتمع‌های مسکونی بر تعاملات اجتماعی می‌پردازد. اهمیت این جنبه از تحقیق در زمینه طراحی شهری و معماری به‌ویژه قابل توجه است، چرا که می‌تواند راهکارهای عملی برای بهبود کیفیت زندگی ساکنان ارائه دهد. نتایج این تحقیق می‌تواند به طراحان و مدیران شهری کمک کند تا فضاهایی را طراحی کنند که به‌طور مؤثر نیازهای زیستی و اجتماعی ساکنان را پاسخگو باشد و تعاملات اجتماعی را تقویت کند.

علاوه بر این، این تحقیق به بررسی نقش فرهنگ محلی و ویژگی‌های اجتماعی خاص جامعه ایرانی در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی می‌پردازد. با توجه به ویژگی‌های منحصربه‌فرد فرهنگ ایرانی که تأثیرات قابل توجهی بر روابط اجتماعی دارد، این مطالعه می‌تواند به‌عنوان الگویی برای پژوهش‌های مشابه در سایر جوامع فرهنگی عمل کند.

در نهایت، یافته‌های این پژوهش نه تنها برای محققان و دانشجویان حوزه‌های معماری و شهرسازی دارای اهمیت است، بلکه می‌تواند برای مدیران مجتمع‌های مسکونی نیز مفید واقع شود. نتایج تحقیق می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا برنامه‌ها و سیاست‌هایی را تدوین کنند که موجب تقویت روابط اجتماعی و ارتقاء کیفیت زندگی ساکنان گردد؛ بنابراین، جنبه‌های نوآورانه این پژوهش در روش‌شناسی و کاربردهای عملی نتایج آن به‌وضوح قابل مشاهده است.

۳- روش‌شناسی

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر تعاملات اجتماعی بر کیفیت زندگی ساکنان مجتمع‌های مسکونی طراحی شده است. این تحقیق همچنین به بررسی نقش محیط‌های مسکونی اشتراکی به‌عنوان عامل تعدیل‌کننده در این رابطه می‌پردازد. از این رو، سؤالات اصلی تحقیق به‌طور ویژه به دنبال پاسخ به این سؤالات هستند: آیا بین تعاملات اجتماعی ساکنان و کیفیت زندگی آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد؟ چگونه طراحی فضاهای عمومی و مشاع می‌تواند بر تعاملات اجتماعی تأثیر بگذارد؟ و نقش محیط‌های مسکونی اشتراکی در تقویت یا تضعیف روابط اجتماعی چیست؟

تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی است و با بهره‌گیری از روش‌های کمی به تحلیل روابط بین متغیرها پرداخته می‌شود. در این پژوهش، از ابزارهای آماری برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است تا بتوان به‌طور دقیق به بررسی و تحلیل ابعاد مختلف موضوع پرداخت. جامعه آماری تحقیق شامل ساکنان مجتمع‌های مسکونی در یک منطقه خاص، مانند منطقه ۲۲ تهران، است. برای انتخاب نمونه، از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شده تا نمایندگی مناسبی از کل جامعه آماری فراهم گردد. حجم نمونه بر اساس فرمول‌های آماری تعیین شده و در نهایت حدود ۳۰۰ نفر از ساکنان به‌عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند.

در فرآیند جمع‌آوری داده‌ها، از پرسشنامه‌های معتبر و پایا استفاده شد که شامل سوا لاتی درباره تعاملات اجتماعی، کیفیت زندگی و ویژگی‌های محیطی مجتمع‌های مسکونی بود. این پرسشنامه با استفاده از مقیاس‌های لیکرت طراحی شده بود تا به ساکنان امکان دهد نظرات خود را درباره ابعاد مختلف موضوع بیان کنند. پرسشنامه به‌طور هم‌زمان به‌صورت آنلاین و حضوری توزیع شد و پس از جمع‌آوری پاسخ‌ها، داده‌ها وارد نرم‌افزار SPSS گردید.

برای تحلیل داده‌ها، از روش‌های آماری مختلف استفاده شد. در ابتدا، برای بررسی توزیع نرمال داده‌ها از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف بهره گرفته شد. سپس برای تحلیل روابط بین متغیرها، از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج آزمون همبستگی نشان داد که بین تعاملات اجتماعی و کیفیت زندگی رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد ($P < 0.01$). همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که تعاملات اجتماعی می‌تواند به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده معنادار کیفیت زندگی عمل کند.

این پژوهش با بررسی دقیق تأثیر تعاملات اجتماعی و طراحی فضاهای عمومی بر کیفیت زندگی، به دنبال شناسایی عوامل کلیدی و ارائه راهکارهایی برای بهبود وضعیت محیط‌های مسکونی است. نتایج این تحقیق می‌تواند به مدیران مجتمع‌های مسکونی کمک کند تا با طراحی مناسب فضاهای عمومی و مشاع، به تقویت تعاملات اجتماعی و ارتقاء کیفیت زندگی ساکنان بپردازند.

۴- یافته‌ها

بر اساس نتایج جدول (۱)، بین متغیر تعاملات اجتماعی و مؤلفه‌های آن با متغیر بهبود کیفیت زندگی رابطه معنادار ($P < 0.01$) وجود دارد.

جدول (۲) نتایج آزمون پیرسون در خصوص رابطه تعاملات اجتماعی و مؤلفه‌های آن با بهبود کیفیت زندگی

متغیرها	تعاملات اجتماعی	پشتیبانی اجتماعی	همبستگی گروهی	انسجام همسایگی
بهبود کیفیت زندگی	r	۰/۴۳	۰/۳۷	۰/۳۴
Sig		۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱

بر اساس نتایج جدول (۲)، بین متغیر مؤلفه‌های تعاملات اجتماعی و سطح رفاه فردی رابطه معنادار ($P < 0.01$) وجود دارد.

جدول (۳) نتایج آزمون پیرسون در خصوص رابطه مؤلفه‌های تعاملات اجتماعی با سطح رفاه فردی

متغیرها	تعاملات اجتماعی	پشتیبانی اجتماعی	همبستگی گروهی	انسجام همسایگی
رفاه فردی	r	۰/۳۸	۰/۳۳	۰/۳۱
Sig		۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱

بر اساس نتایج جدول (۳)، بین متغیر انسجام اجتماعی و مؤلفه‌های آن با بهبود کیفیت زندگی رابطه معناداری ($P < 0.01$) وجود دارد.

جدول (۴) نتایج آزمون پیرسون در خصوص رابطه انسجام اجتماعی و مؤلفه‌های آن با بهبود کیفیت زندگی

متغیرها	انسجام اجتماعی	مشارکت همگانی	الگوهای فکری	اعتماد اجتماعی	حس تعلق	تعاملات روزمره
بهبود کیفیت زندگی	r	۰/۴۹	۰/۴۵	۰/۵۶	۰/۷۹	۰/۴۸
Sig		۰/۵۲۳	۰/۵۶۱	۰/۴۶۷	۰/۲۵۱	۰/۵۲۸

با توجه به جدول (۴)، تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که تعاملات اجتماعی ($t=10.47$ و $P<0.01$) توانایی پیش‌بینی بهبود کیفیت زندگی را دارد. بر اساس نتایج ضریب بتا، به ازای یک واحد افزایش در تعاملات اجتماعی، میزان بهبود کیفیت زندگی (۰.۹۳) افزایش می‌یابد.

جدول (۵): ضریب بتا در پیش‌بینی بهبود کیفیت زندگی بر اساس تعاملات اجتماعی

مدل	ضرایب غیر استاندارد	ضرایب استاندارد	t	Sig
B	خطای استاندارد	بتا		
مقدار ثابت	۴۱/۷۶	۳/۶۵	۱۰/۴۷	۰/۰۰۱
تعاملات اجتماعی	۰/۳۵۸	۰/۳۹	۵/۶۷	۰/۰۰۱

با توجه به جدول (۵)، تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که تعاملات اجتماعی ($t=16.02$ و $P<0.01$) توانایی پیش‌بینی سطح رفاه فردی را دارد. بر اساس نتایج ضریب بتا، به ازای یک واحد افزایش در تعاملات اجتماعی، میزان رفاه فردی (۰/۳۶) افزایش می‌یابد.

جدول (۶): ضریب بتا در پیش‌بینی رفاه فردی بر اساس تعاملات اجتماعی

مدل	ضرایب غیر استاندارد	ضرایب استاندارد	t	Sig
B	خطای استاندارد	بتا		
مقدار ثابت	۴۸/۹۳	۲/۹۴	۱۶/۰۲	۰/۰۰۱
تعاملات اجتماعی	۰/۱۹۸	۰/۳۶	۴/۷۷	۰/۰۰۱

با توجه به جدول (۶)، تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که متغیر انسجام اجتماعی ($t=0.44$ و $P>0.01$) توانایی پیش‌بینی معنادار متغیر بهبود کیفیت زندگی را ندارد. بر اساس نتایج ضریب بتا، به ازای یک واحد افزایش در انسجام اجتماعی، میزان بهبود کیفیت زندگی حدود (۰/۰۵) افزایش می‌یابد.

جدول (۷): ضریب بتا در پیش‌بینی بهبود کیفیت زندگی بر اساس انسجام اجتماعی

مدل	ضرایب غیر استاندارد	ضرایب استاندارد	t	Sig
B	خطای استاندارد	بتا		
مقدار ثابت	۳/۶۸	۰/۲۴	۱۵/۲۳	۰
انسجام اجتماعی	۰/۰۴۲	۰/۰۵	۰/۴۴	۰/۶۶۴

با توجه به جدول (۷)، نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری مدل نهایی پژوهش را نشان می‌دهد. ضرایب الگوی پژوهش نشان می‌دهد که ضریب مسیر تعاملات اجتماعی به بهبود کیفیت زندگی برابر با ۰/۶۵ است که این بیانگر تأثیر مثبت و معنادار تعاملات اجتماعی به میزان ۶۵ درصد بر بهبود کیفیت زندگی است. ضریب مسیر تعاملات اجتماعی به سطح رفاه فردی برابر با ۰/۰۰۶ است که نشان می‌دهد تعاملات اجتماعی به میزان ۰/۰۰۶ درصد تأثیر مثبت و معنادار بر سطح رفاه فردی دارد. ضریب مسیر انسجام اجتماعی به رفاه فردی برابر با ۰/۰۰۸ است و نشان می‌دهد که انسجام اجتماعی به میزان ۰/۰۰۸ درصد تأثیر مثبت و غیرمعناداری بر رفاه فردی دارد. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، تأثیر غیرمستقیم تعاملات اجتماعی از طریق انسجام اجتماعی بر بهبود کیفیت زندگی برابر با ۰/۰۰۵۲ است که از نظر آماری معنادار نیست.

جدول (۸): نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری متغیرهای پژوهش

ردیف	مسیرهای الگو	ضریب مسیر	t	نتیجه	اثر غیرمستقیم
۱	تعاملات اجتماعی → کیفیت زندگی	۰/۶۵۵	۱۵/۸۴	تأیید فرضیه	-
۲	تعاملات اجتماعی → رفاه فردی	۰/۶۰۲	۱۷/۲	تأیید فرضیه	-
۳	انسجام اجتماعی → رفاه فردی	۰/۰۰۸	۰/۲۰۶	رد فرضیه	-

۰/۰۰۵۲	رد فرضیه	-	-	تأثیر غیرمستقیم تعاملات اجتماعی از طریق انسجام اجتماعی بر بهبود کیفیت زندگی
--------	----------	---	---	---

ملاک معناداری ± 1.96 است.

۵- بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف بررسی ارتباط بین تعاملات اجتماعی ساکنان و کیفیت زندگی آن‌ها، با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌گر محیط‌های مسکونی اشتراکی انجام شد. نتایج این مطالعه نشان داد که تعاملات اجتماعی تأثیر مثبتی بر ارتقاء کیفیت زندگی دارد و همچنین قابلیت پیش‌بینی معنادار کیفیت زندگی بر اساس میزان تعاملات اجتماعی مشاهده شد. بر اساس یافته‌ها، تعاملات اجتماعی در محله‌ها و محیط‌های اشتراکی نقش کلیدی در بهبود کیفیت زندگی ساکنان دارد.

برای توضیح این نتایج می‌توان گفت که تعاملات اجتماعی، تبادل ایده‌ها، تجربه‌ها و حمایت‌های احساسی و عملی میان ساکنان است که باعث افزایش حس تعلق به اجتماع و در نتیجه بهبود کیفیت زندگی می‌شود. افرادی که در محیط‌های مسکونی اشتراکی زندگی می‌کنند، به واسطه روابط اجتماعی خود، سطح بالاتری از رضایت و خوشبختی را تجربه می‌کنند. تعاملات اجتماعی موجب افزایش حس مسئولیت‌پذیری و کمک به یکدیگر شده و در نتیجه کیفیت زندگی در این محیط‌ها ارتقاء می‌یابد.

همچنین، تعاملات اجتماعی به ارتقاء کیفیت محیط‌های مسکونی از طریق بهبود رفاه و سلامت روانی ساکنان منجر می‌شود. مطالعات نشان داده است که ساکنانی که ارتباطات اجتماعی بیشتری با همسایگان خود دارند، سطح بالاتری از خوشنودی و مشارکت اجتماعی را تجربه می‌کنند. این ارتباطات باعث می‌شود که ساکنان احساس کنند بخشی از یک اجتماع پویا و حمایتی هستند و این خود به بهبود وضعیت روانی و جسمانی آن‌ها منجر می‌شود.

از دیگر یافته‌های پژوهش، تأثیر معنادار محیط‌های مسکونی اشتراکی بر کیفیت زندگی ساکنان بود. محیط‌های اشتراکی که تسهیلات اجتماعی، فضای سبز و امکانات تفریحی مناسبی را ارائه می‌دهند، به طور مستقیم بر کیفیت زندگی ساکنان تأثیر می‌گذارند. این محیط‌ها باعث ایجاد فضایی برای تقویت ارتباطات اجتماعی و فراهم کردن فرصت‌هایی برای مشارکت بیشتر ساکنان در فعالیت‌های گروهی می‌شوند.

۵-۱- پیشنهادات پژوهش

۱- به مدیران مجتمع‌های مسکونی پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های اجتماعی منظم مانند جشن‌ها، رویدادهای فرهنگی و ورزشی برای تقویت تعاملات اجتماعی میان ساکنان برگزار کنند. این برنامه‌ها می‌تواند به ساکنان فرصت بیشتری برای ارتباط با یکدیگر و ایجاد حس تعلق بیشتر به محیط بدهد.

۲- مدیران و طراحان شهرسازی باید در طراحی محیط‌های مسکونی به ایجاد فضاهای عمومی مناسب، مانند پارک‌ها، فضاهای بازی و محل‌های تجمع، توجه ویژه‌ای داشته باشند. این فضاها می‌تواند ساکنان را به تعاملات بیشتر و همکاری‌های اجتماعی تشویق کند و از این طریق کیفیت زندگی را ارتقاء دهند.

۳- به مدیران مجتمع‌های مسکونی پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های آموزشی و فرهنگی با هدف افزایش آگاهی ساکنان از اهمیت تعاملات اجتماعی و تأثیر آن بر کیفیت زندگی برگزار کنند. این آموزش‌ها می‌تواند به بهبود مشارکت و همکاری میان ساکنان کمک کند.

- ۴- پیشنهاد می‌شود که مدیران مسکونی تسهیلاتی را برای ارتقاء رفاه ساکنان فراهم کنند، از جمله ایجاد باشگاه‌های تفریحی، کتابخانه‌ها، یا اتاق‌های چندمنظوره که به ساکنان فرصت تعاملات بیشتر و استفاده از منابع اشتراکی را بدهد.
- ۵- مدیران مجتمع‌ها باید به ایجاد جو حمایتی و تشویق به نوآوری در حل مشکلات و چالش‌های اجتماعی میان ساکنان بپردازند. بهبود فرهنگ همکاری و مشارکت در حل مسائل اجتماعی می‌تواند به تقویت روابط اجتماعی و ارتقاء کیفیت زندگی کمک کند.
- ۶- پیشنهاد می‌شود که مدیران مجتمع‌ها فرهنگ پذیرفتن شکست و تشویق به ریسک‌پذیری را در ساکنان ترویج کنند. فراهم کردن فضاهای باز برای بیان ایده‌ها و نوآوری‌ها در جامعه مسکونی می‌تواند به تقویت ارتباطات اجتماعی و ارتقاء کیفیت زندگی منجر شود.
- ۷- در نهایت، به مدیران مسکونی توصیه می‌شود که به ایجاد یک فرهنگ اشتراکی و حمایت‌گرانه در محیط‌های مسکونی بپردازند، به نحوی که تسهیم ایده‌های مفید و همکاری‌های اجتماعی به صورت روزمره در جریان باشد.

۶- منابع

- ۱- افضل‌ی، ندا؛ مظفری قادیکلانی، فاطمه؛ و شباک، مریم (۱۴۰۲). سنجش تأثیر مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری در ارتقاء تعاملات اجتماعی و رضایتمندی سکونتگاه‌های شهری: مطالعه موردی مجموعه مسکونی زیتون ساری. نشریه مطالعات سیاسی - اجتماعی تاریخ و فرهنگ ایران، ۲(۲)، ۱۰۳-۱۲۳.
- ۲- برهانی‌فر، سحر؛ مظفری، محمدابراهیم؛ تقوایی، ویدا؛ وثیق، بهزاد؛ و اشرف‌زاده، رضا (۱۴۰۰). بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر اجتماع‌پذیری مجتمع‌های مسکونی با رویکرد حفظ خلوت (نمونه مورد مطالعه: مجتمع مسکونی ششصد دستگاه مشهد). نشریه مطالعات شهری، ۱۰(۳۸)، ۹۱-۱۰۶. doi:10.34785/J011.2021.982
- ۳- جعفری، امین؛ و بیکانی، تبسم (۱۳۹۳). اصول طراحی مجتمع مسکونی ایران- جهان. تهران: انتشارات طهمان.
- ۴- حبیب، فرح؛ صفدریان، غزال؛ و اعتصام، ایرج (۱۴۰۰). تبیین رابطه میان میزان تعاملات اجتماعی و بالا رفتن کیفیت زیست در مجتمع‌های مسکونی (نمونه موردی: مجتمع مسکونی بهجت‌آباد، کوی نویناد و برج بین‌المللی تهران). فصلنامه هویت شهر، ۱۵(۴۶)، ۸۵-۹۶. doi:10.30495/hoviatsshahr.2021.18027
- ۵- حسینی، سید باقر؛ و نوروزیان ملکی، سعید (۱۳۸۷). مناسب‌سازی مسکن و شهر برای افراد دارای ناتوانی جسمی - حرکتی. نشریه مهندسی صنایع و مدیریت تولید، ۱۹(۱۰)، ۱۹۷-۲۰۶.
- ۶- رحمتی، مریم؛ عسگری، علی؛ کمونه، زهراسادات؛ و شایانفر، سارا (۱۳۹۹). بازشناسی عوامل مؤثر بر خوانایی بانوان از فضای شهری (نمونه موردی: شهرک اکباتان تهران). فصلنامه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای زنان، ۲(۲)، ۷-۲۷. doi:10.52547/ROW.2.2.7
- ۷- سجاذزاده، حسن؛ اعتصامیان، رؤیا؛ و خزایی، لیلا (۱۳۹۴). تجلی مفهوم درون‌گرایی در بازارهای ایرانی. پژوهش‌های معماری اسلامی، ۳(۳)، ۳۴-۴۵.
- ۸- سوزنچی، کیانوش (۱۳۸۳). فضای سبز بستر تعامل اجتماعی. نشریه شهرداری‌ها، ۶(۶۷)، ۵-۱۲.
- ۹- شولتر، کریستیان نوربرگ (۱۳۹۰). مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی. ترجمه محمود امیری‌احمدی. تهران: انتشارات آگه.
- ۱۰- قطب‌الدین، نگین؛ مستغنی، علیرضا؛ و عسگری، علی (۱۴۰۲). افزایش اجتماع‌پذیری با طراحی انعطاف‌پذیر فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی. نشریه مطالعات مدیریت شهری، ۱۴(۵۲)، ۱۹-۲۸. doi:10.30495/ums.2023.21765
- ۱۱- لشگری، فرناز؛ و سهیلی، جمال‌الدین (۱۴۰۲). نقش تعاملات اجتماعی بر ایجاد امنیت محیطی در مجتمع‌های مسکونی (مطالعه موردی: فاز یک شهرک اکباتان تهران). فصلنامه آمایش محیط، ۱۵(۵۹)، ۶۹-۹۲. dor:20.1001.1.2676783.1401.15.59.4.9

۱۲- لنگ، جان (۱۳۹۰). آفرینش نظریه‌های معماری. ترجمه علیرضا عینی‌فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۳- محمدنژاد سیگارودی، معصومه؛ پرویزی، رضا؛ و دانش‌شکیب، مریم (۱۳۹۹). ارزیابی تأثیر فضای عمومی بر ارتقای تعاملات اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی (مطالعه موردی: شهر لاهیجان). فصلنامه مطالعات محیطی هفت حصار، ۸(۳۱)، ۷۴-۵۵.

doi:10.29252/hafthesar.8.31.8

۱۴- محمدی، زهرا؛ البرزی، فریبا؛ و سهیلی، جمال‌الدین (۱۴۰۰). نقش مؤلفه‌های کالبدی و ادراکی-روان‌شناختی فضاهای عمومی در ارتقای تعاملات اجتماعی (مطالعه موردی: ساکنان مجتمع‌های مسکونی منطقه ۲۲ شهر تهران). فصلنامه شهر پایدار، ۴(۲)، ۲۳-

doi:10.22034/jsc.2021.255919.1348 .۴۰

۱۵- مطلبی، قاسم؛ ضرغامی، اسماعیل؛ و سعادت‌وقار، پوریا (۱۳۹۷). نقش خوانایی فضای باز بر ایجاد تعاملات اجتماعی در مجموعه‌های مسکونی (نمونه موردی: مجموعه مسکونی سعیدیه همدان). نشریه معماری و شهرسازی ایران، ۹(۱۶)، ۱۳۹-۱۵۶.

doi:10.30475/isau.2019.87938

16- Burgess, P. W., & Shallice, T. (1996). Response suppression, initiation and strategy use following frontal lobe lesions. *Neuropsychologia*, 34(4), 263-272. **doi:10.1016/0028-3932(95)00104-2**

17- Cao, X. J. (2016). How does neighborhood design affect life satisfaction? Evidence from Twin Cities. *Travel behaviour and society*, 5, 68-76. **doi:10.1016/j.tbs.2015.07.001**

18- Huang, S. C. L. (2006). A study of outdoor interactional spaces in high-rise housing. *Landscape and urban planning*, 78(3), 193-204. **doi:10.1016/j.landurbplan.2005.07.008**

Common Spaces and Quality of Life: Examining Social Impacts in Shared Environments

Mohammad Amin Taheri¹, Elaha Nouri Saqrlou^{2*}

1- Islamshahr Branch, Islamic Azad University Tehran, Iran.
art.mtaheri@gmail.com

2- Quds City Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)
Elahenoori513@gmail.com

Abstract

This article examines the impact of social interactions among residents on the quality of life in shared residential environments. The home, as a place of comfort and security, needs to fulfill both the biological and social needs of individuals. In this context, social interactions within neighborhoods play a key role in enhancing life satisfaction. Common spaces such as courtyards and green areas can help strengthen these relationships, and appropriate design of these spaces, especially in large residential complexes, can reduce feelings of isolation and increase social interactions. Studies have shown that common spaces, when designed and managed properly, can encourage residents to engage in more interactions. These spaces are not only beneficial for leisure activities but also provide opportunities for social relationships. Additionally, maintaining privacy while providing suitable spaces for social interactions is of particular importance. Research findings indicate that social interactions have a positive impact on quality of life. The design of public spaces should ensure a sense of security and comfort for residents, enabling them to interact easily with one another. Shared residential environments that offer social facilities, green spaces, and recreational amenities directly impact the quality of life of the residents. Finally, this article provides recommendations for residential complex managers to strengthen social interactions and enhance residents' quality of life by organizing regular social programs and designing appropriate public spaces. Overall, the article emphasizes the importance of designing residential environments that meet the social needs of residents and offers strategies to improve quality of life in these environments.

Keywords: Social interactions, Quality of life, Shared residential environments, Public space design, Sense of belonging.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)